

بسم الله الرحمن الرحيم

جزوه قواعد عربی دهم مشترک

همراه با تعدادی سؤال تشریحی و تستی

تهیه کننده: قاسم آئین پرست

استان فارس

شهرستان نی ریز

کلمه به سه دسته تقسیم می شود: اسم فعل حرف

اسم نشانه هایی دارد از جمله:

الف: ال: هر کلمه ای که در ابتدای آن ال باشد اسم است: الكتاب، الرجل، المرأة

ب: تنوین ً : کتاب، رجلاً، امرأة

دقت کنید که ال و تنوین باهم در یک کلمه نمی آیند.

ج: اضافه: وقتی دو اسم پشت سر همدیگر ذکر شوند و اسم اول به اسم دوم اضافه شود به اسم اول مضاف و به اسم دوم مضاف الیه گویند که مضاف الیه نقش است و لی مضاف نقش نیست: کتاب التلمیذ - کتابه

د: آمدن حرف ندا قبل آن: چون حرف ندا فقط بر سر اسم می آید: یا محمدُ - یا الله

ه: مبتدا بودن (دروس بعد خواهید خواند): زیرا کلمه ای که در ابتدای جمله اسمیه قرار می گیرد اسم می باشد و نقش آن مبتدا می باشد. هو تلمیذ - هذا کتاب.

و: اسم اشاره - ضمیر - اسم استفهام (کلمات پرسشی) و... که هیچکدام از علامتهای اسم را ندارند همگی اسم هستند.

تقسیم اسم از لحاظ عدد: اسم از لحاظ تعداد به سه دسته تقسیم می شود: مفرد، مثنی، جمع.

الف - مفرد: اسمی است که بر یکی دلالت کند و علامت بخصوصی ندارد. کتاب، رجلاً، امرأة

یعنی يك كتاب (کتابی) - يك مرد (مردی) - يك زن (زنی)

ب - مثنی: اسمی است که بر ۲ تا دلالت کند علامت مثنی (ان - ین) می باشد. کتابان - رجلاً - امرأتان به شرطی این دو علامت، علامت مثنی می باشد که وقتی آنها را حذف کنیم مفرد بدست آید، اما اگر این دو علامت را حذف کردیم مفرد بدست نیامد، مثنی نیست؛

جریان و طیران و شیطان مثنی نیستند.

ج - جمع: اسمی است که بر بیش از ۲ تا دلالت می کند. به سه دسته تقسیم می شود.

۱- جمع مذکر سالم: علامت آن (ون، ین) می باشد: معلّمون، مؤمنین

۲- جمع مؤنث سالم: علامت آن (ات) می باشد: معلمات، عالمات، مریمات، احسانات، تومانات.

نکته: به این خاطر به این دو جمع، سالم می گویند، زیرا هر وقت علامت جمع را از آخر آنها حذف می کنیم، مفرد آن سالم است و مفرد آن بدست می آید. مؤمنون مؤمن، مؤمنات مؤمنة

اما اگر اسمی این علامتها را داشت و آنها را حذف کردیم مفرد بدست نیامد، جمع مذکر سالم و جمع مؤنث سالم نیستند.

مانند: محزون - شیطین، مساکین اسم اول اسم مفعول حزن و دو اسم جمع مکسر شیطان، مسکین.

اموات، اوقات، ایبات، اصوات جمع مکسر کلمات میت - وقت - بیت - صوت هستند.

۳- جمع مکسر: جمعی است سمعی، بدون قاعده، علامت خاصی ندارد، بنای مفرد آن تغییر می‌کند ممکن است یک حرف به مفرد آن اضافه کنیم ساخته شود: تلمیذ تلامیذ ممکن است دو حرف به اول و وسط اضافه کنیم: قلم اقلام، و ممکن است حرفی از آن را حذف کنیم ساخته شود: کتاب کُتُب، رَسُول رُسُل و وزن بخصوصی ندارد بلکه این اسمها را باید در کتابها خوانده باشی تا اطلاع کافی از آن داشته باشی.

نکته ۱: اسم مثنی و جمع مذکر سالم وقتی مضاف واقع می‌شوند، واجب است «نون» حذف شود.

والدین + ك والدیک معلّمون + المدرسة معلّمو المدرسة

اسم از لحاظ جنس به دو دسته تقسیم می‌شود: ۱- مذکر. ۲- مؤنث

۱- مذکر: علامتی ندارد مانند: محمّد - معلّم - تلمیذ - ثور (گاو نر) دیک (خروس) القمر (ماه) - الباب (در) - الصّف (کلاس) و ...

۲- مؤنث: علامتش غالباً «ة» است مانند: زینب - فاطمه - تلمیذه - بقره - و ...

مؤنث نشانه‌های دیگری هم دارد که از اهداف نیست مثل: کبری - زهراء و ...

نکته: اگر اسمی جمع مکسر باشد، ملاک مذکر و مؤنث بودنش، مفرد کلمه است. مانند ائمه جمع امام که مذکر است و مزارع جمع مزرعة که مؤنث است.

گاهی مؤنث نشانه ندارد که از اهداف کتاب نیست مانند: شمس - ارض - نفس - عین و ...

اسم اشاره: اسمی است که برای نشان دادن و اشاره کردن به انسان یا حیوان یا اشیاء بکار می‌رود. یا قریب است یا بعید که عبارتند از:

مفرد	مثنی	جمع	(بعید)	مفرد	جمع	
مذکر	هذا	هذان (هذین)	هؤلاء	مذکر	ذلک	اولئک
مؤنث	هذه	هاتان (هاتین)	هؤلاء	مؤنث	تلک	اولئک
اشاره به مکان	هنا (اینجا)	هناک (آنجا)				

نکته ۱: اولئك و هؤلاء برای اشاره فقط برای جمع انسان بکار می روند و بین مذکر و مؤنث مشترك هستند.
اولئك يا هؤلاء المعلمون اولئك يا هؤلاء المعلمات

نکته ۲: با جمع حیوان و اشیاء در اسم اشاره (همچنین در فعل و صفت و ضمیر و ...) مانند مفرد مؤنث رفتار می شود. هذه اشجار - هذه طيور - تلك آيات

نکته ۳: ترجمه اسم اشاره مهم است اگر بعد از اسم اشاره مثنی و جمع، اسم ال دار بیاید در ترجمه، اسم اشاره مفرد ترجمه می شود و اگر اسم ال دار نبود اسم اشاره هر طوری که هست ترجمه می شود مانند:
هذان المُكَيِّفان: این دوکولر - هذان ناجحان: اینها (این دو) موفق هستند.

اولئك الطلاب ناجحون: آن دانش آموزان موفق هستند. اولئك ناجحون: آنها موفق هستند.

ضمیر: ضمائر، جانشین اسم هستند و هر ویژگی که در اسم وجود دارد در آن ضمیر وجود دارد از قبیل: مذکر، مؤنث، مفرد، مثنی، جمع، ... به خاطر اختصار و صرفه جویی در استفاده از اسمهای متعدد از ضمیر استفاده می کنیم. ضمیرها به دو دسته تقسیم می شوند: (البته نام ضمائر از اهداف کتاب نیست شناخت و ترجمه مهم است).

الف - منفصل(جدا): ضمیرهایی هستند که جدا نوشته شده و به کلمه دیگر متصل نمی شوند و به دو دسته تقسیم می شوند: مانند: هو، هما، هم، هي، هما، هن، أنت، أنتما، أنتم، أنت، أنتما، أنتن، أنا، نحن. که غالباً اول جمله هستند.

ب - ضمیر متصل(پیوسته): ضمیرهایی هستند که به کلمه دیگر وصل می شوند به دو دسته تقسیم می شوند:

۱- ضمیری هستند که فقط به فعل وصل می شوندمانند:

ضمائر ا - و - ن - ت - ثا - ثم - ت - ثا - تن - ت - نا - ضمیرهای متصل در فعل ماضی می باشند.

ضمائر ا - و - ن - ی در مضارع و امر هستند. البته (ن) فقط در جمع مؤنث ضمیر هست.

۲- ضمیری که همراه اسم و فعل و حرف می آیند: ه - هما - هم - ها - هما - هن - ك - كها - كم - كها - كُن - ی - نا.

فعل: هم معنا و هم زمان دارد.

فعل از لحاظ زمان به سه دسته ماضی و مضارع و امر تقسیم می شود؛ ماضی و مضارع دارای چهارده صیغه می باشد به همین لحاظ و از آنجایی که در زبان عربی سؤالات همگی به زبان عربی طرح می شود لذا ضروری است که این چهارده صیغه را که ۶ صیغه غائب، ۶ صیغه مخاطب، و ۲ صیغه متکلم می باشد را به عربی یاد بگیریم:

لِلْغَائِبِ، لِلْغَائِبِينَ، لِلْغَائِبِينَ، لِلْغَائِبِينَ، لِلْغَائِبَاتِ
لِلْمَخَاطَبِ، لِلْمَخَاطِبِينَ، لِلْمَخَاطِبِينَ، لِلْمَخَاطِبِينَ، لِلْمَخَاطِبَاتِ
لِلْمَتَكَلِّمِ وَحْدَهُ، لِلْمَتَكَلِّمِ مَعَ الْغَيْرِ.

نکته: يَنْ: یعنی مثنی مذکر - تَيْنِ: مثنی مؤنث - يَنْ: جمع مذکر - لَّة: مفرد مؤنث - ات: جمع مؤنث.
صرف فعل مهم نیست که به چه صورت باشد مهم این است که بدانید چه صیغه ای است و ترجمه اش چیست.

فعل ماضی: فعلی است که در زمان گذشته رخ داده یا حالتی است که در آن زمان اتفاق افتاده است.

كَتَبَ، كَتَبَا، كَتَبُوا، كَتَبْتُمْ، كَتَبْتُمْ، كَتَبْتُمْ، كَتَبْتُمْ
كَتَبْتُمْ، كَتَبْتُمْ، كَتَبْتُمْ، كَتَبْتُمْ، كَتَبْتُمْ، كَتَبْتُمْ
كَتَبْتُمْ، كَتَبْتُمْ

نکته: فعل «كَتَبَ» به معنای «نوشت» است، و اگر بخواهیم فعل ماضی را منفی کنیم حرف نفي «ما» را بر سر آنها می آوریم. «ما كَتَبَ» به معنای «ننوشت» است.

فعل مضارع: فعلی است که در زمان حال یا آینده رخ می دهد یا حالتی است که در آن زمان اتفاق می افتد.

يَكْتُبُ، يَكْتُبَانِ، يَكْتُبُونَ، تَكْتُبُ، تَكْتُبَانِ، يَكْتُبْنَ
تَكْتُبُ، تَكْتُبَانِ، تَكْتُبُونَ، تَكْتُبِينَ، تَكْتُبَانِ، تَكْتُبْنَ
أَكْتُبُ، نَكْتُبُ

نکته ۱: به چهار حرف «ي - ت - ا - ن» که به آنها «تینا» یا «تینا» می گویند، حروف مضارعه می گویند و همیشه در ابتدای فعل مضارع می آیند. يَكْتُبُ: می نویسد. (هم اکنون یا بعداً)

نکته ۲: حرف «ن» که در آخر فعل مضارع بکار رفته است به جای ضمه «َ» می باشد به غیر از صیغه (لِلْغَائِبَاتِ و لِلْمَخَاطِبَاتِ) که «نون» ضمیر است.

فعل مضارع منفي: وقتی بخواهیم فعل مضارع را منفي کنیم «لا» بر سر فعل مضارع وارد می کنیم. «لا» نفي هیچ تغییری در لفظ فعل مضارع بوجود نمی آورد. فقط در معنا حرف «ن» را به ابتدای فعل مضارع اضافه می کنیم یعنی معنا را منفي می کند.

يَكْتُبُ: مي نويسد لا يَكْتُبُ: نهي نويسد

لا يَكْتُبُ، لا يَكْتُبَانِ، لا يَكْتُبُونَ، لا تَكْتُبُ، لا تَكْتُبَانِ، لا يَكْتُبَنَّ

لا تَكْتُبُ، لا تَكْتُبَانِ، لا تَكْتُبُونَ، لا تَكْتُبِينَ، لا تَكْتُبَانِ، لا تَكْتُبَنَّ

لا أَكْتُبُ، لا نَكْتُبُ

فعل مضارع نهي: وقتي «لا نهي» را بر سر فعل مضارع وارد كنيم، فعل مضارع هم در لفظ و هم در معنا تغيير مي كند، در لفظ به اين صورت است كه صيغه هايي كه ضمه دارند تبديل به سكون - و صيغه هايي كه نون دارند نون حذف مي شود به جز صيغه للغائبات و للمخاطبات كه نون ضمير است و حذف نهي شود و در معنا نيز معنای فعل مضارع به امر منفي تبديل مي شود.

لا يَكْتُبُ، لا يَكْتُبَانِ، لا يَكْتُبُونَ، لا تَكْتُبُ، لا تَكْتُبَانِ، لا يَكْتُبَنَّ

لا تَكْتُبُ، لا تَكْتُبَانِ، لا تَكْتُبُونَ، لا تَكْتُبِينَ، لا تَكْتُبَانِ، لا تَكْتُبَنَّ

لا أَكْتُبُ، لا نَكْتُبُ

برای ترجمه غایب و متکلم از کلمه «نباید» استفاده می کنیم. لایکتب: نباید برود

نکته: فعل مستقبل یا آینده در عربي نداريم، اما در معنای فارسي هر وقت بخواهيم كه فعلی برای زمان آینده بکار رود دو حرف «س» و «سوف» را بر سر فعل مضارع وارد مي كنيم.

يَذْهَبُ: مي رود سَيَذْهَبُ: خواهد رفت سوف يذهب: خواهد رفت

أَكْتُبُ: مي نويسم سأكتب: خواهم نوشت سوف أكتب: خواهم نوشت

فعل امر مخاطب: فعلی است که به انجام گرفتن کار یا حالتی دستور می دهد:

حرف مضارعه «ت» را از ابتدای مضارع مخاطب حذف مي كنيم و آخر فعل مضارع را مجزوم مي كنيم يعني صيغه اي كه ضمه - دارد تبديل به ساكن «-» و صيغه هايي كه نون دارند نون حذف مي شود به جز صيغه للمخاطبات كه نون حذف نهي شود زیرا كه ضمير است. اگر فعل مضارعه خوانده شد نيازي به همزه نداريم اما اگر خوانده نشد همزه اي اضافه مي كنيم كه حرکت اين همزه بستگي به «عين الفعل» يعني حرف بعد از ساكن دارد اگر ضمه بود به همزه ضمه مي دهيم در غير اين صورت كسره مي دهيم.

تُجَاهِدُ جَاهِدْ، تَجْلِسُ جَلِسْ، تَذْهَبُ ذَهَبْ، تَذْهَبُ ذَهَبْ، تَذْهَبُ ذَهَبْ

تَخْرُجُ خَرَجْ، تَخْرُجُ خَرَجْ

أَكْتُبُ، أَكْتُبَانِ، أَكْتُبُونَ، أَكْتُبِينَ، أَكْتُبَانِ، أَكْتُبَنَّ

معادل ماضی استمراری فارسی: هرگاه کَانَ و خانواده اش (کانا - کانت - كانوا و....) همراه مضارع بیاید معادل ماضی استمراری عربی است. مانند: کان الطالب یذهب: دانش آموز می رفت.

عدد در درس دوم کاملاً بررسی میشود در اینجا توضیح نمیدهیم.

مبحث وزن کلمات: ابتدا حروف اصلی را مشخص می کنیم و بجایش ف ع ل می گذاریم و بقیه حروف را می نویسیم مانند: مکتوب : مفعول / صَبَّار : فَعَّال / عالم : فاعل و....

در درس سوم و چهارم کاربرد بیشتری دارد.

مبحث ساعت: غالباً از اعداد ترتیبی (مانند : الواحدة - الثانية - الثالثة....) استفاده می کنیم و اعداد مؤنث به کار می روند چون کلمه الساعة مؤنث است. موارد مهمش عبارتند از :

اگر والربع بود یعنی ۱۵ دقیقه - و النصف یعنی ۳۰ دقیقه - الأربعاً یعنی ربع کم- الأثلثاً یعنی بیست دقیقه کم

مانند: الساعة السادسة الأربعا: ۵:۴۵ - الساعة الرابعة و الربع: ۴:۱۵ - الساعة الخامسة و النصف: ۵:۳۰

سؤال تشریحی

۱- عین المفرد و المثنی و الجمع و نوع الجمع و المذكر و المؤنث من الكلمات المَعینة ثم ترجم العبارات :

الف: الحمد لله الذي خلق السموات والأرض وجعل الظلمات والنور.

ب: ذاك هو الله الذي أنعمه منهمرة.

ج: لاترفعوا أصواتكم. د: و زانه بأنجم كالدرد المنتشرة . ه: الله يحب المحسنين.

و: وعد الله المؤمنين والمؤمنات جنات تجري من تحتها الأنهار خالدين فيها. ز: للوالدين احساناً.

۲- عین نوع الفعل ثم ترجم العبارات:

الف: و انظر إلى الغيم فمن أنزل منه مطره. ب: بخار متراكم في السماء ينزل منه المطر.

ج - ربنا ما خلقت هذا باطلاً. د: و اعملوا صالحاً إني بما تعملون عليم. ه: ربنا لا تجعلنا مع الظالمين.

و: أنظر إلى ما قال ولا تنظر إلى من قال . ز: قول «لا اعلم» نصف العلم. ح: كان اثنان يتناجيان

۳- اكتب وزن الكلمات: احترام - منهمرة - مستعرة - غفور - محزون

۴- اكتب الساعة بالارقام :

الف: الساعة الثامنة الأربعاً : ب: الساعة التاسعة و عشر دقائق:

سؤال تستی

۱- انتخب الصحيح: يتراكم بخار الماء في السماء و يتشكّل منه الغيم الذي يُعدّ منشأ المطر.

- الف - بخار آب در آسمان متراکم می شود و از آن ابر تشکیل می گردد که منشأ باران بشمار می آید!
ب - این بخارهای متراکم آسمان هستند که ابر را تشکیل می دهند و همان منشأ باران بشمار می آیند!
ج - از بخارهای آبی که در آسمان متراکم شده است ابرها بوجود می آیند و آن یک منشأ برای باران است!
د - بخار آب در آسمان متراکم می شود و سبب بوجود آمدن ابرها در آسمان می گردد که منشأ باران است!

۲- عین الصحيح : كل يوم أركب السيارة في الساعة السادسة و النصف حتى أصل ال بيتنا في الثامنة الأ ربعاً.

- الف: هر روز ساعت شش ونیم سوار ماشین می شوم تا یک ربع به هشت مانده به خانه مان برسم!
ب: ساعت شش ونیم هر روز سوار اتومبیل می شوم تا این که ساعت هشت وربع به خانه مان برسم!
ج: همه روزه ساعت شش ونیم سوار تاکسی می شدم و در ساعت یک ربع به هشت به خانه میرسیم!
د: ساعت شش ونیم همه روزه سوار تاکسی می شدم و در ساعت هشت یک ربع کم به خانه میرسیم!

۳- عین ما لیس فی جمع سالم للمؤنث:

- الف: لطمنا العدو أشد اللطمات!
ب: لي جوال من أدق الجوال الجديدة!
ج: لبعض أولياء الله كرامات كثيرة!
د: صوت تلاوة القرآن من أجمل الأصوات لنا!

۴- عین المناسب للفراغين: أيام الأسبوع و اليوم الوسط منها

- الف: سبعة - اثنين ب: سبعة - الثلاثاء ج: سبعة - الاثنين د: سبعة - الثلاثاء
هـ- عین الصحيح للفراغين:

ذهبت مع أَسرتي الى سفرة يوم الأحد طالت (طول كشيد) سفرتنا ثلاثة أيام . رجعنا في الساعة السابعة صباحاً .
كُنّا خمس ساعات في الطريق. فوصلنا في الساعة من يوم الى بيتنا.

الف: الثاني عشر / الثلاثاء ب: الثانية عشرة / الأربعاء ج: الثاني عشر / الأربعاء د: الثانية عشرة / الاثنين